

اشعیا ایش 40

26 چشمان خود را به علیین برافراشته ببینید. کیست که اینها را آفرید و کیست که لشکر اینها را بشماره بیرون آورده،
جمع آنها را بنام می‌خواند؟ از کثرت قوت و از عظمت توانایی وی یکی از آنها گم نخواهد شد.
27 ای یعقوب چرا فکر می‌کنی و ای اسرائیل چرا می‌گویی: «راه من از خداوند مخفی است و خدای من انصاف مرا از دست داده است.»

28 آیا ندانسته و نشنیده‌ای که خدای سرمدی یهوه آفریننده اقصای زمین در مانده و خسته نمی‌شود و فهم او را تفحص نتوان کرد؟

29 ضعیفان را قوت می‌بخشد و ناتوانان را قدرت زیاده عطا می‌نماید.

30 حتی جوانان هم در مانده و خسته می‌گردند و شجاعان بگلی می‌افتند.

31 اما آنانی که منتظر خداوند می‌باشند قوت تازه خواهند یافت و مثل عقاب پرواز خواهند کرد. خواهند دوید و خسته نخواهند شد. خواهند خرامید و در مانده خواهند گردید.

رومیان ایش 4

18 که او در ناامیدی به امید ایمان آورد تا پدر امت‌های بسیار شود، برحسب آنچه گفته شد که دریت تو چنین خواهند بود.

19 و در ایمان کم قوت نشده، نظر کرد به بدن خود که در آن وقت مرده بود، چونکه قریب به صد ساله بود و به رجم مرده سازه.

20 و در وعده خدا از بی‌ایمانی شک ننمود، بلکه قوی‌الایمان گشته، خدا را تمجید نمود،

21 و یقین دانست که به وفای وعده خود نیز قادر است.

22 و از این جهت برای او عدالت محسوب شد.

23 و لکن اینکه برای وی محسوب شد، نه برای او فقط نوشته شد،

24 بلکه برای ما نیز که به ما محسوب خواهد شد، چون ایمان آوریم به او که خداوند ما عیسی را از مردگان برخیزانید،

25 که به سبب گناهان ما تسلیم گردید و به سبب عادل شدن ما برخیزانیده شد.

متی ایش 14

22 بی‌درنگ عیسی شاگردان خود را اصرار نمود تا به کشتی سوار شده، پیش از وی به کناره دیگر روانه شوند تا آن گروه را رخصت دهد.

23 و چون مردم را روانه نمود، به خلوت برای عبادت بر فراز کوهی درآمد. و وقت شام در آنجا تنها بود.

24 اما کشتی در آن وقت در میان دریا به سبب باد مخالف که میوزید، به امواج گرفتار بود.

25 و در پاس چهارم از شب، عیسی بر دریا خرامیده، به سوی ایشان روانه گردید.

26 اما چون شاگردان، او را بر دریا خرامان دیدند، مضطرب شده، گفتند که خیالی است؛ و از خوف فریاد برآوردند.

27 اما عیسی ایشان را بیتأمل خطاب کرده، گفت، خاطر جمع دارید! منم، ترسان مباشید!

28 پطرس در جواب او گفت، خداوندا، اگر تویی مرا بفرما تا بر روی آب، نزد تو آیم.

29 گفت، بیا! در ساعت پطرس از کشتی فرود شده، بر روی آب روانه شد تا نزد عیسی آید.

30 لیکن چون باد را شدید دید، ترسان گشت و مشرف به غرق شده، فریاد برآورده، گفت، خداوندا، مرا دریاب.

31 عیسی بی‌درنگ دست آورده، او را بگرفت و گفت، ای کم ایمان، چرا شک آوردی؟

32 و چون به کشتی سوار شدند، باد ساکن گردید.

33 پس اهل کشتی آمده، او را پرستش کرده، گفتند، فی الحقیقه تو پسر خدا هستی!